

از مجله Al-Ittihad

ارگان انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا

ترجمه و اقتباس: از سید محمد تقی

مسلمانان، يك اقلیت پیشرو

در آمریکای شمالی

آگاهی از وضع مسلمانان در این قاره بزرگ ما را به

دنیای نوری از پیشرفت و گسترش اسلام رهنمون می‌گردد

امروز مسلمانان، در بیشتر کشورهای جهان، به صورت اقلیت زندگی می‌کنند. در بعضی از کشورها، اقلیتی کوچک و در برخی دیگر اقلیت قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند. مسلمانان در آمریکای شمالی، با اینکه چندان زیاد نمی‌باشند، اما به طور نسبی يك جمعیت متناهی را تشکیل می‌دهند.

در حقیقت، عوامل گوناگونی دست به دست داده است تا مسلمانان را به عنوان يك

«اقلیت واحد» در آورده است. وجود برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات آنان را منسجم ساخته و جمعیت آنها را سازمان بخشیده است.

ممکن است این ویژگی‌ها را به طور خلاصه این چنین بیان نمود:

۱- آئین فراگیر جهانی

امروزه، اسلام در این منطقه از جهان به عنوان «دین بزرگ سوم» به شمار می‌آید.

۲- متخصصان اسلامی

وجود صدها استاد مسلمان دانشگاه، مهندسان، داروسازها، تجار و دیگر متخصصان اقتصادی، فنی و فرهنگی مسلمان سبب شده است که این جمعیت به صورت یک اقلیت واحد و منسجم درآید و در مجامع آمریکا از اعتبار چشم‌گیری برخوردار باشند. مسلمانان برخلاف سایر اقلیت‌ها، از ملیت‌ها، نژادها، اقوام مختلفی تشکیل یافته‌اند زیرا دیگر اقلیت‌های مذهبی غالباً از یک گروه و یا نژاد خاصی ترکیب شده‌اند، همانند ایرلندی‌ها، یهود و ...

* * *

۳- رشد سریع اسلام

بدون شك امروز، در آمریکا، اسلام يك دین پیشرو است که هر روز افراد تازه‌ای را به خود جلب می‌کند، آنهم به خاطر خاصیت و ویژگی این آئین يك الهی است که انسانها را به سوی آزادی فرامی‌خواند و آنها را بدون در نظر گرفتن/رنگ، نژاد و قومیت، برای تحقق يك جامعه ایده‌آل توحیدی بازمی‌خواند.

به‌درستی کسی نمی‌داند که نخستین مسلمانانی که در این قاره سکونت گزیده‌اند، چه کسانی بوده‌اند؟

بعضی ادعا دارند که اساساً نخستین گروهی که قاره آمریکا را پیش از «کریستف کلمب» کشف کردند، مسلمانان بودند، برخی دیگر معتقدند که همراه «کریستف کلمب» هنگام کشف قاره جدید، سیاحان و دریانوردان مسلمان نیز همراه بوده‌اند. اما در این میان سال بیست و یکم شماره ۶

نظریه سومی نیز وجود دارد که : بیشتر ساکنان نخستین این قاره از نژادهای (افرو-آمریکن) اجداد مسلمان داشته‌اند که پس از گذشت زمان در سرتاسر قاره آمریکا پراکنده شده‌اند. به هر حال آنچه مهم است ، اینست که امروز هزاران نفر مسلمان مهاجر، در این قاره جدید، زندگی می‌کنند که دارای ارگانها و سازمانهای اسلامی وسیعی می‌باشند. (۱)

* * *

آمار مسلمان در آمریکا

آمار مسلمانان در آمریکا، به درستی روشن نیست ولی آنچه محقق است امروزه بیش از ۳ میلیون نفر مسلمان در آمریکا زندگی می‌کند و این نشان می‌دهد که چگونه اسلام در این قاره جدید روبرو پیشرفت است.

با وجود اینکه این رشد سریع اسلام بیشتر به وسیله مسلمانان مهاجر به خصوص در دهه ۷۰-۶۰ صورت گرفته است، اما اکنون اسلام به عنوان یک آئین زندگی، از سوی آمریکائیان بومی و کانادائی‌ها، عملاً پذیرفته شده است، و اکثر مساجد و مراکز اسلامی به وسیله این مسلمانان بومی، تأسیس یافته است.

نهضت مسلمانان سیاه

توسعه روز افزون اسلام در سالهای اخیر، به طور جدی توسط

The Movement of Black Muslims

«نهضت مسلمانان سیاه» صورت گرفته است.

آمار این گروه به درستی روشن نیست ، اما بدون شك آنها بزرگترین گروه اسلامی آمریکا را تشکیل می‌دهند که دارای سازمان متشکل و منسجم، در میان دیگر گروه‌های اسلامی هستند.

آغاز نهضت

این نهضت به سال ۱۹۳۰ آغاز شده است و رهبران این حرکت به ترتیب فراد محمد Farrad Mohammad ، محمد علی محمد Ali Mohammad برنوسور

۱- در سانفرانسیسکو، جمعیت اسلامی پنجابی زندگی می‌کند که امروزه اکثراً به عنوان کارگر، از شهرهای خود مهاجرت کرده و در سانفرانسیسکو سکونت گزیده‌اند، و امروزه بیشترین صاحبان هتلها و تجار، از این گروه تشکیل یافته است.

نورد Pro.-Ford و ولی فراد Wali Farrad می باشند.

Elijah

شخص اخیر در سال ۱۹۳۳ ناپدید شد و سرانجام علیجاه محمد

Mohammed جانشین او گردید.

علیجاه محمد، ابتداء ادعای پیامبری کرد و خود را پیامبر خدا خوانده که به او وحی نازل می شود و در نتیجه این حرکت به وسیله او به انحراف کشانده شد که سرانژادپرستی و عکس العملی در برابر سفید پوستان آمریکائی در آورد.

علیجاه محمد به سال ۱۹۷۵ بدرود حیات گفت و پسرش والیس الدین محمد Wallace D. Mohmmad به جای پدر نشست، والیس به انحراف و اشتباهات پدر خود اعتراف کرد و مسیر نهضت را از نوادپرستی و واکنش در برابر سفید پوستان آمریکائی، به سوی اسلام صحیح و بدون نژاد، مبدل ساخت. او ابتداء نام نهضت را Bilalians و سپس نام آنرا به The World Community of Islam in the west «جامعه جهانی اسلام در غرب» تغییر داد.

هم اکنون این جمعیت دارای تشکیلات منظم، رادیو، روزنامه و چندین مجله هفتگی می باشد. روزنامه Muslim News و مجله های The Bilalians و Mohammas Speaks به طور مرتب از طرف این گروه پخش می شود.

والیس الدین محمد، علاوه از زبان انگلیسی، به زبان عربی فصیح حرف میزند، او تحصیلات خود را در آمریکا و سپس در دانشکده شریعت مدینه به پایان رسانیده است و چندین کتاب در مورد اسلام نوشته است، و اکنون در شیکاگو سکونت گزیده است.

امروزه در سرتاسر آمریکا مراکز اسلامی و مساجد متعددی دائر است که از طرف این شخص اداره می شود و پیش نماز و معلم قرآن بدان مراکز اعزام می گردد. اکثر این معلمان و امام جماعتها، دارای لیسانس علوم شریعت از دانشگاه مدینه هستند.

این گروه از کمکهای مالی عربستان سعودی و دولت های خلیج بهره مند می باشند، و خانواده سعودی به وسیله کمکهای مالی بی حساب توانسته است خود را به عنوان تنها «دولت اسلامی» و حامی حرمین، جا زندا و آئین و هابی گری را به نام اسلام راستین و نهضت «سلفیه» را در میان مسلمانان سیاه آمریکا، تبلیغ نمایند.

پس از انقلاب کبیر اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، این گروه همانند دیگر گروه های اسلامی در آمریکا، انتظار داشتند که انقلاب به کمک آنان شتافته و با اعزام گروه های تبلیغی، اهداف انقلاب را به مسلمانان توضیح دهند و به درد دل های همه

سال بیست و یکم شماره ۶

آنان برسند...

اساساً یکدسته از اساتید اسلامی دانشگاههای آمریکا معتقد بودند، از آنجا که انقلاب اسلامی ایران، از آن همه مسلمانان جهان است، لازم است که رهبران انقلاب در کنفرانسی از همه متخصصان اسلامی در سراسر جهان، دعوتی به عمل آورند و چاره ساز و مشکل گشای مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردند و به خصوص در مبارزه با تمدن منفی غربی و غرب زدگی، راه حلی نشان دهند.

اما احساس این تنها در بعد نظامی آن تحقق یافت و تنها در سال بعد از پیروزی انقلاب تنها از سازمانهای مسلح انقلابی از طرف دانشجویان پیرو خط امام، دعوت به عمل آمد، و دیگر مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مسلمانان به سکوت گذرانده شد و این خلاه فکری - ایدئولوژیکی، اقتصادی، تربیتی، که پس از انقلاب اسلامی ایران به وجود آمده بود و انقلاب توانسته بود اسلام را به عنوان یک آئین و ایدئولوژی زندگی ساز و انقلابی به دنیا نشان دهد، نادیده گرفته شد، وقت کشیها و ندانم کاریهای بعضی گردانندگان امور، این انتظار را تبدیل به یأس و نوهیدی کرد.

(ادامه دارد)

قاضی نباید بلندتر از طرف دعوا حرف بزند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی (ع) می فرماید: جامع علوم انسانی

بوی ان امیر المؤمنین (ع) ولی ابوالاسود الدلی القضاء
ثم عزله، فقال لم عزلتني وما خنت ولا جنيت؟ فقال اني رأيت
كلامك يعلو كلام خصمك:

مستدرک الوسائل ج ۳/ ۱۹۷

علی (ع) ابوالاسود دلی را برای انجام محاکمه ای وکیل خویش نمود و قبل از تمام شدن محاکمه او را عزل کرد. او پرسید که من نه خیانت کردم و نه جنایت پس چرا معزولم ساختی؟

فرمود: چون دهم صدای تو بلندتر از صدای خصم تو است و بر سر او

داد کشیدی!